۱

اندیشه اسلامی (۱)

در این قسمت می خوانید

۱ـ انسان و ایمان
۲ـ وجود خدا
۳ـ صفات خدا
٤ـ مسئلهٔ شر
٥ـ توحید و شرک
٦ـ معاد و جاودانگی انسان

فصل ۱ انسان و ایمان

۱ــ چیستی انسان

الف ــ خودشناسی

* خودشناسی از مهم‌ترین مسائل مربوط به انسان است. اگر انسان غفلت بورزد و استعدادهای خود را شکوفا نسازد و فقط نیازها و امیال نفسانی و حیوانی خود را برآورده کند گرفتار خُسران می‌گردد و از مرتبهٔ انسانیّت به حیوانیّت تنزّل می‌کند.
* دعوت به شناخت انسان از توصیه‌های مهمّ پیامبران الهی، عالمان اخلاق، عارفان و فیلسوفان است.
* منظور از شناخت انسان، شناخت استعدادها و نیروهای انسان است.
* آیات زیر به خودشناسی اشاره دارند :
* انسان باید بنگرد از چه آفریده شده است.
* آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است.

۱ــ از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی : «اَوَلا یذکرالانسانُ اَنّا خلقناه من قَبلُ ولم یکُ شیئاً» به اهمیت دادن دین مبین اسلام به موضوع ..... که نتیجه‌اش ..... پی می‌بریم. (سراسری ۹۰ ــ نوبت صبح)

۱) خودشناسی ـ توجه به خالقیت غیرقابل انکار خداوند در ایجاد است.
۲) تذکر و تنبّه ـ توجه به خالقیت غیرقابل انکار خداوند در ایجاد است.
۳) تذکّر و تنبّه ـ آگاهی در به‌کار انداختن سرمایه‌های وجودی منتج به کمال است.
٤) خودشناسی ـ آگاهی در به‌کار انداختن سرمایه‌های وجودی منتج به کمال است.

توجه منظور از به یاد نمی‌آورد، همان تفکّر در خویش یا خودشناسی است.

* قرآن می‌فرماید : ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خود بپردازید.
* امام علی (ع) می‌فرمایند : کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگ‌ترین سعادت و کامیابی رسیده است.

۲ــ از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی : «فلینظر الانسانُ مِمَّ خُلِقَ» به تأکید اسلام در .... که به بیان علی علیه‌السلام نتیجه‌اش ..... است، پی می‌بریم. (سراسری ۹۰ ــ نوبت عصر)

۱) خودشناسی ـ شمول رحمت غیرمحدود خداوند.
۲) نظر محققانه ـ دست‌یابی به بزرگ‌ترین سعادت
۳) خودشناسی ـ دست‌یابی به بزرگ‌ترین سعادت
٤) نظر محققانه ـ شمول رحمت غیرمحدود خداوند

* ایمانویل کانت می‌گوید : انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود بپردازد.
* در تاریخ فلسفه خودشناسی از نظریات اساسی سقراط حکیم بوده است.
* بر سر در معبد دلفی در یونان باستان در ارتباط با شناخت پیچیدگی‌های وجود انسان نوشته بود «خود را بشناس».

ب ــ دلایل خودشناسی

۱) خودشناسی مقدمهٔ کمال انسان

* نقطه آغاز خودشناسی، شناخت سرمایه‌های وجودی است.
* کمال انسان در پرورش روح است و پرورش روح بدون خودشناسی امکان ندارد.

۲) خودشناسی مقدمهٔ جهان‌شناسی

* انسان ابتدا باید قوا و استعدادهای خود و حدّ و مرز آن‌ها را بشناسد سپس به جهان اطراف شناخت پیدا کند.

امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید :

※ «کَیْفَ یَعْرِفُ غَیْرَهُ مَنْ یَجْهَلُ نَفْسَهُ» : «چگونه می‌شناسد غیر از خود را (جهان را) کسی که خود را نمی‌شناسد؟»

※ «مَن عَرَفَ نَفْسَهُ کانَ لِغَیْرِه اَعْرَفُ وَمَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ کانَ بَغیرِه اَجْهَلُ» : «کسی که خود را بشناسد دیگری را بهتر می‌شناسد و کسی که خود را نشناسد نسبت به دیگران جاهل‌تر است.»

مفهوم دو حدیث فوق به مقدّم بودن خودشناسی بر جهان‌شناسی اشاره دارند.

نکته کلمات کلیدی دو حدیث فوق (نفس : خودشناسی) و (غیر : جهان‌شناسی) هستند.

۳ـ از دقت در حدیث شریفِ «کَیفَ یعرف غَیره من یجهلُ نفسه» به تقدّم ..... که وحدت مصداق با عبارتِ ..... دارد، پی می‌بریم. (سراسری ۹۰ ـ نوبت عصر و سراسری ۸۹ ـ نوبت صبح با اندکی تغییر)

۱) خودشناسی بر جهان‌شناسی ـ من جهل نفسه کان بغیره اجهل

۲) خودشناسی بر جهان‌شناسی ـ من عرف نفسه کان بغیره اعرف

۳) آگاهی ومعرفت بر جهل و ناآگاهی ـ من عرف نفسه کان بغیره اعرف

٤) آگاهی و معرفت بر جهل و ناآگاهی ـ من جهل نفسه کان بغیره اجهل

۳) خودشناسی مقدمهٔ خداشناسی

※ دعوت به خودشناسی در واقع دعوت به خداشناسی است. در این رابطه امام علی(ع) می‌فرماید :

※ «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ» : «هر کس خود را بشناسد خدای خود را می‌شناسد.»

نکته کلمات کلیدی حدیث فوق (نفس : خودشناسی) و (رَبّ : خداشناسی) هستند.

٤ـ اگر گفته شود : «خودشناسی، مقدّمهٔ محبت و معرفت به خداست» و اگر گفته شود : «پیش درآمد جهان‌شناسی است» این دو مفهوم، به‌ترتیب از دقّت در کدام مورد اثبات می‌شود؟ (سراسری ۸۸ ـ نوبت عصر)

۱) مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فقد عَرَفَ رَبَّهُ ـ هَلَکَ امرءٌ لَم یَعْرِفْ نَفْسَهُ

۲) کَیفَ یَعْرِفُ غیرهُ من یَجْهَلُ نَفْسَهُ ـ مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ کان بِغَیرِه أجهَلُ

۳) مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فقد عَرَفَ رَبَّهُ ـ کَیفَ یَعْرِفُ غیرهُ من یَجْهَلُ نَفْسَهُ

٤) کَیفَ یَعْرِفُ غیرهُ من یَجْهَلُ نَفْسَهُ ـ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ کانَ لِغَیرِه أعرفُ

امیرمؤمنان می‌فرماید : خدایا تو قلب‌ها را با محبّت خود و عقل‌ها را با معرفت خود سرشته‌ای.

توجه این فرمودهٔ امام علی(ع) به بُعد گرایشی روح انسان اشاره دارد (گرایش به خدا)

※ انسان وجودی وابسته و ممکن‌الوجود است و برای شناخت این وابستگی نیاز به شناخت آفرینندهٔ خود دارد. خداوند واجب الوجود است یعنی وجودی که قائم به خود است و نیازمند نیست و عِلَّةُ العِلَل است اما هر چیزی غیر از خدا ممکن‌الوجود و وابسته و نیازمند به خداست.

قرآن مجید در رابطه با خودشناسی و ارتباط آن با خداشناسی می‌فرماید :

※ ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز و ستوده است.

※ و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما، آیا نمی‌بینید؟

نکته در این آیه (جویندگان یقین) اشاره به خداشناسی دارد و (در وجود خود شما) اشاره به خودشناسی دارد.

۵ـ با توجه به ترجمه آیه‌ی «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما، آیا نمی‌بینید؟» کدام مفهوم مستفاد می‌گردد.؟ (علمی کاربردی ۸۹ و سراسری ۸۹ ـ نوبت عصر)

۱) خداشناسی مقدمهٔ خودشناسی است.

۲) خداشناسی مقدمه کمال انسانی است.

۳) خودشناسی مقدمه خداشناسی است.

٤) خودشناسی مقدمه جهان شناسی است.

۴) خودشناسی حلّال مشکلات انسان

※ بسیاری از مشکلات روحی و روانی و فکری و اخلاقی انسان ناشی از خودناشناسی است.

※ آرامش راستین انسان در انس با خداست.

※ به وجود آمدن مکاتب مختلف بشری از عدم شناخت انسان ناشی شده‌اند.

ج ـ حقیقت انسان

در باب حقیقت انسان دو دیدگاه وجود دارد:

۱ـ دیدگاه مادی گرایان (ماتریالیست‌ها) : مادّی‌گرایان انسان را موجودی کاملاً مادّی می‌دانند که با مُردن از بین می‌رود. ابزار آن‌ها بـرای شناخت انسان حسّ و تجربه است.

۲ـ دیدگاه الهیّون : این دیدگاه معتقد است که انسان علاوه بر جسم مادّی دارای روح غیرمادّی است و حقیقت انسان همـان روح غیرمـادّی است که بعد از مرگ باقی است و در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد.

* محور همهٔ تعالیم ادیان الهی روح انسان است.

* با حسّ و تجربه نمی‌توان روح غیرمادّی را شناخت بلکه ابزار شناخت روح، غیرتجربی و غیرحسّی است.

آیات زیر به دو بُعدی بودن یا دو ساحتی بودن انسان دلالت دارند :

※ «ثُمَّ سَوّاهُ و نَفَخَ فیهِ مِنْ روُحِه» : «سپس خدا اندام انسان را موزون آفرید و از روح خود در وی دمید.»

نکته کلید آیه کلمات سوّی و روح هستند که سوّی اشاره به بُعد جسمانی و روح اشاره به بُعد روحانی انسان دارد.

* منظور از سَوّی یا تسویه در این آیه خلقت اعضای بدن به صورت موزون و اعتدال و به دور از کژی و ناراستی است.

«و یاد کُن هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من بشری را از گلی خشک، ازگلی سیاه و بـدبو خـواهم آفریـد. سـپس وقتـی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید.» در این آیه «از روح خود در آن دمیدم» اشاره به دوبُعدی بودن وجود انسان دارد و اینکه حقیقت انسان روح الهی اوست نه جسم مادی.

* در ادامه آیهٔ فوق می‌فرماید (سپس از روح خود در آن دمید) که به‌دلیل شرافت و برتری این روح آن را به خود نسبت می‌دهد کـه ایـن گونه اضافه را «اضافهٔ تشریفی» می‌گویند. مانند : روح خدا ـ خانهٔ خدا ـ کتاب خدا

۶ـ از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی «واذ قال ربّک للملائکة انّی خالق بشراً من صلصال من حمأ مسنون * فاذا سوّیتُه و نَفَختُ فیه من روُحی فَقَعُوا لَهُ ساجدین» به ..... و ..... است، پی می‌بریم. (سراسری ۹۰ ـ نوبت صبح)

۱) دو بُعدی بودن وجود انسان ـ حقیقت وجودی او که روح الهی

۲) کارگزاری فرشتگان در نظام آفرینش ـ حقیقت وجودی او که روح الهی

۳) کارگزاری فرشتگان در نظام آفرینش ـ ذو مراتب بودن آفرینش که مختار خداوند

٤) دو بعدی بودن وجود انسان ـ ذو مراتب بودن آفرینش که مختار خداوند

※ «اَللهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حینَ مَوْتِها» : «خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند.»

※ «قُلْ یَتَوَفّاکُمْ مَلَکُ الْمَوْتِ الَّذی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إلی رَبِّکُم تُرْجَعُونَ» : «بگو فرشتهٔ مرگ که بر شما گمارده شده، جان شما را می‌ستاند و آن‌گاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید)

* منظور از «تَوَفّی» در این آیات اخذ و گرفتن روح به طور کامل است. یعنی روح از جسم جدا می‌شود و این اشاره به دو بُعدی بودن انسان دارد.

※ «وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوُا فی سَبیلِ اللهِ اَمْواتاً بَلْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» : «و تو هرگز مپندار کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

توجه آیهٔ فوق در مورد شهدا سخن می‌گوید.

مفهوم از آیهٔ فوق دو بُعدی بودن انسان مفهوم می‌شود. (بعد جسمانی و بعد روحانی).

* فیلسوفان نیز وجود «من» در انسان را دلیل بر غیرمادی بودن روح می‌دانند. زیرا «من» بسیط، ساده و غیرقابل تقسیم است.

۷ـ با تدبّر در آیات شریفهٔ «ثُمَّ سَوّاهُ و نَفَخَ فیهِ مِنْ روُحِه»و «اَللهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حینَ مَوْتِها»مقصود از «سـوّی» و «تَـوَفّی» بـه‌ترتیـب کـدام است؟(سراسری ۸۷ ـ نوبت صبح و علمی کاربردی ۸۹ با کمی تغییر)

۱) تکمیل خلقت جسمانی و پردازش ظاهری انسان ـ ملک الموت هنگام مرگ روح آدمی را می‌ستاند.

۲) خدا در بدن انسان روح می‌دمد تا خلیفة الله شود ـ ملک الموت هنگام مرگ روح آدمی را می‌ستاند.

۳) تکمیل خلقت جسمانی و پردازش ظاهری انسان ـ فرشتهٔ مرگ حقیقت انسان (روح و جسم) را می‌ستاند.

٤) خدا در بدن انسان روح می‌دمد تا خلیفة الله شود ـ فرشتهٔ مرگ حقیقت انسان (روح و جسم) را می‌ستاند.

۸ـ از آیه شریفهٔ «قُلْ یَتَوَفّاکُمْ مَلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إِلی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ» موضوع ..... مفهوم می‌گردد؟ (سراسری ۸۷ ـ نوبت عصر)

۱) آمیختگی جسم و روح در حیات و ممات
۲) آمیختگی جسم و روح در حیات نه در ممات
۳) استقلال وجودی روح از بدن پس از فوت
٤) استقلال وجودی روح از بدن در حیات و مَمات

۹ـ از آیه‌ی «الله یتوفّی الانفس حین موتها» موضوع ..... مفهوم می‌گردد. (سراسری ۸۹ ـ نوبت عصر)

۱) حقیقت آدمی، همان روح غیرمادی است که هنگام مرگ فرشته مرگ آن را می‌ستاند.
۲) روح که نیمی از انسانیت انسان است توسط فرشته مرگ بی‌کم و کاست دریافت می‌گردد.
۳) خداوند حقیقت آدمی را که همان روح و جسم است هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند.
٤) بعد از مرگ پس از مدتی بدن مادی متلاشی می‌شود و روح در عالم قیامت به حیات خود ادامه می‌دهد.

د ـ ابعاد روح

۱) بعد ادراکی یا شناختی روح : بُعد ادراکی خود به ادراک نظری و ادراک عملی تقسیم می‌شود که ادراک نظری نیز خود به «علم حضوری، علم حصولی و شهود عرفانی» قابل تقسیم است که به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

* **ادراک نظری (شناخت نظری)** : اگر متعلق شناخت، اشیاء، آن‌گونه که هستند یا خواهند بود باشد، این نوع شناخت در حوزهٔ شناخت نظری است. پس می‌توانیم بگوییم ادراک یا شناختی که انسان از اشیاء پیرامون خود و هر آن‌چه که انسان با آن در ارتباط است به‌دست می‌آورد، ادراک نظری است. پس متعلق شناخت در ادراک نظری اشیاء و اموری است که انسان با آن‌ها در ارتباط است.

توضیح متعلق شناخت، آن چیزی است که انسان نسبت به آن شناخت پیدا می‌کند. به‌طور مثال اگر بخواهیم نسبت به درخت، ماشین، کتاب و غیره ادراک یا شناخت کسب کنیم این‌ها متعلق شناخت ما محسوب می‌شوند.

* علم حصولی : این نوع ادراک یا شناخت با واسطه است یعنی شناختی که برای انسان از شیء حاصل می‌شود از طریق صورت‌ها و مفاهیم ذهنی است و این مفاهیم ذهنی واسطهٔ شناخت می‌شوند.

* علم حضوری : این نوع ادراک یا شناخت بی‌واسطه است و انسان برای ادراک یا شناخت نیازی به واسطه ندارد و مستقیماً به شناخت دست می‌یابد. مانند آگاهی انسان به حالات روانی و احساسات و عواطف درونی خود. به‌طور مثال هنگامی که می‌ترسیم برای ادراک ترس نیازی به واسطه نداریم. بنابراین شناخت یا ادراک اموری مانند : ترس، غم، شادی، تصمیم، علم حضوری است و نیاز به واسطه ندارند.

* علم شهودی یا شهود عرفانی : اگر متعلق علم حضوری خدا و امور مرتبط به خدا باشد به آن شهود عرفانی می‌گویند که مختص به افراد خاصی است.

* امام علی(ع) می‌فرماید : من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم، البته نه با چشم سر بلکه با چشم قلب.

* امام علی(ع) می‌فرماید : من هیچ شیءای را نمی‌بینم مگر این که قبل از آن و با آن و بعد از آن خدا را می‌بینم.

توجه دو حدیث فوق به شهود عرفانی اشاره دارند.

* ادراک عملی (شناخت عملی) :

* اگر حوزهٔ شناخت، عمل انسان از جهت خوب و بد یا باید و نباید (ارزش‌ها) باشد، این نوع ادراک یا شناخت در حوزهٔ ادراک عملی قرار دارد. مانند اینکه عدالت خوب است یا انسان باید راست بگوید.

* حکمت عملی عبارت است از علم به تکالیف و وظایف انسان.

* مکاتب تعلیم و تربیت در شمار حوزهٔ ادراک عملی هستند. زیرا به عمل انسان ارتباط دارند.

* تمایز حکمت نظری و حکمت عملی در متعلق شناخت است نه در قوهٔ شناخت. زیرا قوّه شناخت در هر دوی آن‌ها عقل و حواس پنجگانه است.

توجه قُوّهٔ شناخت آن چیزی است که توسط آن شناخت یا ادراک کسب می‌کنیم که عقل و حس است.

۱۰ـ هرگاه «متعلق شناخت» «بایدها و نبایدها» یا اشیاء آن‌گونه که هستند یا خواهند بود، باشد، به‌ترتیب ادراک ..... و ادراک ..... رقم می‌خورد و از دقّت در این کلام امیرمؤمنان ـ علی علیه‌السّلام که می‌فرماید «من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم» به کدام مورد پی می‌بریم؟ (سراسری ۸۸ ـ نوبت صبح و سراسری ۹۰ ـ نوبت عصر با اندکی تغییر)

۱) عملی ـ نظری ـ قوّه شناخت، با واسطه است و علم حصولی، حاصل است.

۲) نظری ـ عملی ـ قوّهٔ شناخت، با واسطه است و علم حصولی، حاصل است.

۳) عملی ـ نظری ـ متعلق شناخت بدون واسطه است و علم حضوری و شهود عرفانی حاصل است.

٤) نظری ـ عملی ـ متعلق شناخت بدون واسطه است و علم حضوری و شهود عرفانی حاصل است.

۲) بعد گرایشی روح

* بر اثر عوامل خارجی یا محیطی به‌وجود نمی‌آیند بلکه این عوامل در شکوفایی آن‌ها مؤثرند، که به گرایش‌های انسانی و گرایش‌های حیوانی قابل تقسیم هستند.

گرایش‌های انسانی : مخصوص انسان هستند. مانند گرایش به خدا، دانش، حقیقت، زیبایی و ...

* اینکه انسان موجودی مُتألّه یا دین‌ورز است به گرایش‌های انسانی اشاره دارد. امام علی(ع) در این رابطه می‌فرماید :

* خداوندا تو قلب‌ها را بر مُحبّت خود آفریده‌ای.

نکته در این حدیث (محبّت خود) اشاره به گرایش و محبت به خدا دارد. پس بعد گرایشی روح انسان را شامل می‌شود.

* ارسال پیامبران و دعوت به دین به بُعد گرایشی انسان (گرایش‌های انسانی) اشاره دارد و وظیفهٔ پیامبران بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی است برای اینکه گرایش دینی انسان را به سمت درست هدایت کنند.

۱۱ـ عدم دگرگونی در آفرینش الهی، نسبت به انسان این است که از زبان علی علیه‌السلام بگوییم .... و علی علیه‌السلام، وظیفهٔ پیامبران را ..... معرفی فرموده است. (سراسری ۸۸ ـ نوبت عصر)

۱) الهی مَن لی غیرک أسألهُ کشف ضُرّی ـ بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی

۲) خداوندا تو قلب‌ها را بر محبت خود آفریده‌ای ـ بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی

۳) الهی مَن لی غیرک أسألهُ کشف ضُری ـ دعوت به قیام برای برپایی عدالت و قسط در مجتمع انسانی

٤) خداوندا تو قلب‌ها را بر محبت خود آفریده‌ای ـ دعوت به قیام برای برپایی عدالت و قسط در مجتمع انسانی

گرایش‌های حیوانی

* میان انسان و حیوان مشترکند. همان غرایز هستند. مانند گرایش به حفظ ذات و صیانت و محافظت از خود و میل و گرایش به جنس مخالف.

دیدگاه مُتفکران مغرب زمین

پژوهش‌های تاریخی ثابت کرده است که انسان از دوران اولیه و ماقبل تاریخ نیز به دین و خدا گرایش داشته است.

* نینیان اسمارت در کتاب تجربهٔ دینی بشر می‌گوید : در سراسر تاریخ و در ورای نهانگاه‌های تاریک کُهن‌ترین فرهنگ‌های نژاد بشری، دین مشخصهٔ اصلی حیات بشری است و برای فهم تاریخ و حیات بشری، فهمیدن دین ضروری است.

انسان و بُحران‌های فرارو : بحران‌های فراروی انسان از خودناشناسی یا عدم شناخت انسان ناشی شده‌اند.

بُحران معرفتی : تأکید انحصاری بر یک نوع شناخت مانند : حس و تجربه یا عقل یا شهود عرفانی باعث بحران معرفتی در انسان می‌شود و این ناشی از عدم شناخت واقعی انسان است. انسان باید هر سه ابزار شناخت را معتبر بداند و از آن‌ها استفاده کند. مادّی‌گرایان فقط از ابزار شناخت حِسّ و تجربه استفاده می‌کنند. عقل‌گرایان از ابزار عقل و عارفان از ابزار شهود عرفانی.

بُحران اخلاقی : جهان امروز از رذایل اخلاقی مانند : میگساری، شهوترانی، همجنس‌بازی و ... رنج می‌برد. در جهان معاصر معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی، لذّت‌گرایی و سودگرایی مادّی است. دعوت انسان به فضایل والای اخلاقی بی‌معنی شده است.

توجه ریشهٔ این بحران اخلاقی، غفلت از ساحت غیرمادّی انسان و فضایل فطری او و عدم توجه به خدا و تعالیم پیامبران الهی می‌باشد.

* راه برون‌رفت از این بحران آن است که بار دیگر آدمی به خود رو کند و به بُعد معنوی و گنجینه‌های نهفتهٔ خود توجه کند.

* پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید : «اِنّی بُعِثتُ لِاُتَمِّمَ مکارم الأخلاق» : «من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج برسانم.»

۱۲ـ پیام «انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود بپردازد» از کدام مورد مفهوم نمی‌گردد؟ (علمی کاربردی ۸۷)

۱) مَن عرف نفسه فقَد عرف ربّه
۲) کیف یعرف غیره من یجهل نفسه
۳) مَن عرف نفسه کان لغیره اعرف
٤) اِنّی بُعِثتُ لِأتَمِّمَ مکارمَ الاخلاق

بحران روانی و معنوی : انسان امروز هویت واقعی خود را از دست داده است و خویشتن خویش را گم کرده است و بـه پـوچی و بـی‌معنـایی زندگی دچار شده است و احساس تنهایی می‌کند و همهٔ این مشکلات به‌خاطر این است که نقطهٔ اتکاء و آرامش خود یعنی خداوند متعال را از دست داده است.

۱۳ـ تأکید انحصاری به عقل یا شهود در مسئله شناخت، سودگرایی مادّی و پوچ‌گرایی و بی‌معنا بودن زندگی به ترتیب، پدیدآور بحران‌های ..... و .... و .... در عصر حاضر است. (سراسری ۸۸ ـ نوبت صبح)

۱) معرفتی ـ روانی ـ معنوی
۲) روانی ـ معرفتی ـ اخلاقی
۳) روانی ـ اخلاقی ـ معرفتی
٤) معرفتی ـ اخلاقی ـ معنوی

دین و بحران معرفتی : براساس آموزه‌های دینی، راه‌های شناخت عبارتند از : حسّ، عقل، شهود عرفانی و وحی الهی. عقل و حس بـه تنهـایی نمی‌توانند انسان را به سعادت برسانند. آموزه‌های وحیانی یا هماهنگ با عقل و یا مبتنی برآنند. انسان با کمک دوبال عقل و وحی می‌تواند بـه سعادت دنیوی و اُخروی نایل گردد.

دین و بحران اخلاقی : پیامبران الهی برای تحقّق فضایل اخلاقی مبعوث شده‌اند. برای مؤمنان واقعی عشق و محبّت به خدا انگیـزهٔ عمـل بـه دستورهای الهی است. برای برخی دیگر، پاداش و عقاب اُخروی و تجسّم اعمال در آخرت انگیزه‌ای برای عمل به دستورهای اخلاقی می‌باشد. به‌هر صورت دین باعث پایبندی افراد به فضایل اخلاقی می‌شود و از به‌وجود آمدن بحران‌های اخلاقی جلوگیری می‌کند.

دین و بحران روانی : دین پشتوانهٔ مستحکمی برای غلبه بر اضطراب‌های روانی است. اکثر بیماری‌های روانی و اضطراب‌ها و بی‌مفهومی زندگی از عدم توجه به خدا ناشی می‌شود. زیرا کسی که دنیا را محل آزمایش و محلی برای مُهیّا شدن برای سرای جاویدان می‌داند هرگز دچار پوچی نمی‌شود و سختی‌ها و حوادث زندگی او را ناامید نمی‌کنند.

※ قرآن کریم زندگی تنگ و سخت را معلول روی گردانی از خدا می‌داند و در این رابطه می‌فرماید :

※ «وَمَن أعْرَضَ عَن ذِکری فانَّ لَهُ مَعیشَةً ضَنکاً» : «هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سختی خواهد داشت.»

توجه در آیهٔ فوق «معیشةً ضنکاً» به معنای زندگی سخت، اشاره به بحران روانی دارد زیرا روی گردانی از خدا باعث سخت‌شدن زنـدگی و بحران روانی می‌شود.

۱٤ـ آن‌جا که تمسّک به دین که هم آهنگی آموزه‌های و حیانی با عقل و شهود عرفانی دست‌مایهٔ انسان قرار گیـرد و اعتقـاد بـه پـاداش و عقاب اُخروی و تجسّم أعمال در انسان حاکم باشد و زندگی را محل آزمایش و ابتلاء برای خود محسوب بدارد. به‌ترتیب، بحران‌هـای ..... و ..... و ..... در پرتو دین، درمان می‌پذیرد. (سراسری ۸۸ ـ نوبت عصر)

۱) معرفتی ـ اخلاقی ـ روانی
۲) اخلاقی ـ معرفتی ـ روانی
۳) روانی ـ اخلاقی ـ معرفتی
٤) روانی ـ معرفتی ـ اخلاقی

۱۵ـ نقش دین در رویارویی با بحران‌های روانی و غلبه بر اضطرابات از دقت در کدام مورد، مفهوم می‌گردد؟ (علمی کاربردی ۸۷)

۱) مارأیتُ شیئاً الّا ورأیتُ الله قَبْلَهُ ومَعَهُ و بَعدهُ
۲) وَمَن أعرضَ عَن ذِکری فأنّ لَهُ مَعیشَةً ضنکاً
۳) انّی لا أعبُد ربّاً لَم أرَهُ لابرؤیة الأبصار بَل برؤیة البَصائر
٤) اَللّه یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حینَ مَوْتِها والَّتی لَم تَمُت فی مَنامِها

۱۶ـ از آیه « وَمَن أعرضَ عَن ذِکری فأنّ لَهُ مَعیشَةً ضنکاً » کدام مفهوم مستفاد می‌گردد؟ (سراسری ۸۷ ـ نوبت صبح)

۱) دین پشتوانهٔ مستحکمی برای غلبه بر اضطراب‌های روانی انسان است.
۲) دین همواره پشتوانهٔ محکمی برای تحقق فضایل اخلاقی در انسان بوده است.
۳) براساس آموزه‌های دینی، آدمی از طریق عقل ضرورت وحی را اثبات می‌نماید.
٤) اگر انسان به خود بنگرد عالم را منحصر به ماده نخواهد دانست تا دچار بحران شود.

※ قرآن کریم می‌فرماید : «ألا بِذِکْرِ الله تَطْمَئِنُّ القُلوبُ» : «آگاه باشید که باد یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد.»

مفهوم یاد خدا باعث می‌شود انسان از لحاظ روانی آرامش پیدا کند.

※ قرآن کریم در آیات دیگری به بحران روانی پیش روی انسان اشاره دارد : «لِکَیلا تأسَوا علی مافـاتَکُم ولا تَفرَحُـوا بِمـا آتـاکُم» : «تـا هرگـز به‌خاطر آن‌چه که از دست می‌دهید ناراحت نشوید و به‌خاطر آن‌چه که به‌دست می‌آورید شاد و مغرور نشوید.»

مفهوم اگر انسان در همه حال به یاد خدا باشد مشکلات و مسایل زندگی او را دچار ناامیدی نمی‌کند و دچار بحران روانی نمی‌شود.

※ «ولا تَهِنوا ولا تَحزَنوا و أنتم الأعْلَونَ» : «(به‌خاطر آن‌چه که به شما می‌رسد) شاد مشوید و (به‌خاطر آن‌چه که از دست می‌دهید) غمگین مشوید، در حالی که شما بالاترید.»

مفهوم اگر انسان ارادهٔ خداوند را در همهٔ امور ساری و جاری ببیند به‌خاطر شکست‌ها ناامید نمی‌شود و به‌خاطر موفقیت‌ها مغرور نمی‌شود و همواره از یک حالت تعادل روانی بهره‌مند است و دچار بحران روانی نمی‌شود.

※ «وَلا یَخافونَ لَومَةَ لائِمٍ» : «و از سرزنش افراد سرزنش‌کننده نمی‌ترسند.»

※ روان‌شناسی تجربی نیز نقش دین و ایمان دینی را در پیشگیری و درمان ناهنجاری‌های روانی بسیار مؤثر می‌داند. در این‌باره یونگ روانشناس سوئیسی می‌گوید: در میان همه بیمارانم که در نیمه زندگی خود بودند حتی یک نفر وجود نداشت که مشکل اصلی او علاوه بر نومیدی از وسایل دیگر، یافتن چشم‌اندازی دینی به زندگی نبوده باشد. یعنی دیدگاه دینی خود را از دست داده بودند به‌همین خاطر بیمار شده بودند.

۱۷ـ آن جا که «یونگ» روانکاو نامور سوئیسی، از بین تمام بیماران میان‌سال خود، یک نفر را هم نمی‌یابد که مسأله‌اش یافتن یک نگرش دینی به حیات نباشد، اثرگذاری «دین» در .... استنباط می‌گردد. (علمی کاربردی ۸۵)

۱) درمان بحران‌های روانی ۲) معرفت درست دادن به انسان ۳) تکیه‌گاه راستین و قابل اعتماد ٤) پاسخ‌گویی به بحران‌های اخلاقی

۲ـ ایمان

الف ـ معنای لغوی و اصطلاحی ایمان

※ قرآن کریم ایمان را عامل رستگاری و از ویژگی‌های پرهیزکاران و هدایت یافتگان می‌شمارد.

※ ایمان دینی نقش بسیار مهمی در بهداشت روانی و درمان ناراحتی‌های روحی و روانی آدمی دارد.

※ ایمان امری است معنوی و حالتی روحی که جایگاه آن قلب آدمی است.

※ ایمان مصدر باب افعال و از ریشهٔ (أمَنَ) به معنای امنیت یافتن است که به معنای جای‌گیر شدن اعتقاد در قلب یا تصدیق چیزی با اطمینان و اعتماد است و همچنین به معنای أمنیّت یافتن از شکّ و تردید است.

※ واژهٔ ایمان در اصطلاح به معنای، ایمان به خدا، روز قیامت، کُتُب آسمانی، ملائکه، پیامبران و امور غیب است.

※ امام رضا(ع) در تعریف ایمان می‌فرماید : ایمان تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضا است.

ب ـ ارتباط ایمان و معرفت

※ از دیدگاه قرآن ایمان، مبتنی بر معرفت و علم است و معرفت و علم ضرورتاً ایمان‌آور نیستند یعنی چنین نیست که اگر کسی معرفت و علم داشته باشد ایمان نیز داشته باشد.

۱۸ـ شناخت واقعیاتی همچون : غم، شادی و امید، با استمداد از علم .... ممکن است و بین ایمان و علم رابطهٔ .... حاکم است. به این معنی که ..... . (علمی‌کاربردی ۸۷)

۱) حصولی ـ عموم و خصوص ـ ایمان، مبتنی بر علم است.

۲) حضوری ـ عموم و خصوص ـ ایمان مبتنی بر علم است.

۳) حصولی ـ تساوی ـ هر ایمانی همراه با علم است و هر علمی توأم با ایمان

٤) حضوری ـ تساوی ـ هر ایمانی همراه با علم است و هر علمی توأم با ایمان

※ قرآن از نمونه‌هایی یاد می‌کند که در آن‌جا علم هست ولی ایمان نیست که عبارتند از :

※ قوم بنی‌اسرائیل هر چند به معجزات حضرت موسی یقین و معرفت داشتند (علم داشتند) ولی به دلیل روحیهٔ برتری‌جویی و ستمکاری ایمان نیاوردند که قرآن در این‌باره می‌فرماید : «وَجَحَدُوابِها وَاسْتَیْقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ ظُلْماً و عُلُوّاً» : «و (معجزات حضرت موسی را) از روی ظلم و تکبّر انکار کردند هر چند که نسبت به آن یقین داشتند.»

مفهوم آیهٔ فوق بیان می‌دارد که علم ضرورتاً ایمان‌آور نیست و ممکن است کسی علم داشته باشد ولی ایمان نداشته باشد.

توجه آیه فوق ارتباط ایمان و علم را بیان می‌کند و کلمهٔ «اسْتَیْقَنَ» که ریشهٔ آن «یَقِنَ» می‌باشد اشاره به یقین یا علم دارد.

* شیطان با آنکه از عظمت خدا آگاه بود (علم داشت) سرانجام ایمان خود را از دست داد و این نشان می‌دهد که داشتن علم دلیل برداشتن ایمان نیست (اشاره به ارتباط ایمان و علم دارد).

توجه در آیهٔ زیر قرآن بیان می‌دارد که ایمان بدون معرفت، اجر و ارجی ندارد.

«در دین اجبار و اکراه وجود ندارد و خداوند راه درست را از راه انحرافی روشن کرده است. بنابراین کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به رشتهٔ محکم و استواری چنگ زده است.»

نکته در این آیه موضوع کُفر و ایمان بعد از شناخت راه درست از باطل (که همان علم یا معرفت است) مطرح شده است و این اهمیت شناخت و معرفت را بیان می‌کند.

* در آیه‌ای دیگر قرآن خشیّت الهی را که از لوازم ایمان است ناشی از علم و آگاهی به خداوند می‌داند و می‌فرماید: «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌هراسند.»

مفهوم آگاهی و شناخت بیشتر نسبت به خدا باعث می‌شود ایمان انسان قوی‌تر شود و سر تعظیم در مقابل پروردگار فرود آورد.

۱۹ـ از دقّت در آیهٔ شریفهٔ «اِنَّما یَخْشَی اللهَ مِن عِبادِهِ العُلَماءُ» مفهوم می‌گردد که .... . (علمی‌کاربردی ۸۷)

۱) بندگان خاص خداوند، همان عالمان مطیع فرمان اویند.
۲) ایمان که از لوازم خشیت الهی است به انسان عالم و آگاه امنیت درونی می‌بخشد.
۳) خشیت الهی که از لوازم ایمان است، ناشی از علم و آگاهی به خداوند است.
٤) ایمان بدون شناخت میسّر نیست و اصول و مبانی دین متکی بر استدلال است.

۲۰ـ از ترجمه‌ی آیه «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌هراسند» موضوع ..... که از لوازم ..... است ناشی از ..... است. (سراسری ۸۹ ـ نوبت صبح)

۱) خشیت الهی ـ ایمان ـ علم و آگاهی به خداوند
۲) خشیت الهی ـ علم ـ ایمان و اعتقاد به خداوند
۳) مشیت الهی ـ ایمان ـ معرفت حقیقت انسان
٤) مشیت الهی ـ علم ـ معرفت حقیقت انسان

۲۱ـ از توجه در آیهٔ شریفهٔ «وَجَحَدُوابِها وَاسْتَیْقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ ظُلْماً و عُلُوّاً» مفهوم ..... و ..... دریافت می‌گردد. (علمی کاربردی ۸۷)

۱) تقدم یقین و معرفت بر ایمان ـ کفر جحودی مقدم بر یقین
۲) تقدم یقین و معرفت بر ایمان ـ کفر جحودی مؤخر از یقین
۳) تأخر یقین و معرفت از ایمان ـ مؤثر قرار دادن ظلم و تکبر بر پذیرش
٤) تأخر ایمان از یقین ـ مؤثر قرار دادن ظلم و تکبر بر پذیرش

۲۲ـ از دقت در آیهٔ شریفهٔ «لا اِکراه فی‌الدّین قَد تَبَیَّنَ الرُّشدُ مِنَ الغَیّ» و آیهٔ شریفهٔ «اِنَّما یَخْشَی اللهَ مِن عِبادِهِ العُلَماءُ» به‌ترتیب کدام مورد مفهوم می‌گردد؟ (سراسری ۸۸ ـ نوبت صبح)

۱) انسان در قبول رشد و غَیّ مختار است ـ خشیت و عبودیت لازم و ملزوم یکدیگرند.
۲) ایمان بدون شناخت میسّر نیست ـ خشیت که از لوازم ایمان است ناشی از علم و آگاهی است.
۳) ایمان بدون شناخت میسّر نیست ـ عبودیّت و بندگی در پیشگاه خداوند از لوازم ایمان به خداوند است.
٤) انسان در قبول رشد و غَیّ مختار است ـ عبودیت و بندگی در پیشگاه خداوند از لوازم ایمان به خداوند است.

۲۳ـ با توجه به ترجمه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «در دین اجبار و اکراه وجود ندارد و خداوند راه درست را از راه انحرافی، روشن کرده است» کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟ (علمی کاربردی ۸۹)

۱) ایمان بدون معرفت و علم، اجر و ارجی ندارد.
۲) موضوع کفر و ایمان بعد از تبیین راه درست از باطل مطرح است.
۳) ایمان به معنای معرفت و علم نیست، ولی مبتنی بر آن است.
٤) اگر معرفت و علم محقق شود ایمان نیز ضرورتاً به‌وجود می‌آید.

* فرق اسلام و مسیحیت در رابطه با ارتباط ایمان و معرفت در این است که در اسلام ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است اما در مسیحیت انسان باید نخست ایمان بیاورد تا بفهمد، نه اینکه نخست بفهمد سپس ایمان بیاورد.

ج ـ ارتباط ایمان با عقل

* آدمی با عقل و دین می‌تواند به سعادت جاودانه برسد. عقل دین را و دین عقل را تأیید می‌کند. یعنی مُؤیّد یکدیگرند.
* قرآن مجید دربارهٔ ارتباط ایمان و عقل می‌فرماید : «ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم تا تعقّل کنید.»
* دربارهٔ ارتباط ایمان و عقل قرآن کریم می‌فرماید : «إنَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِنْدَ اللهِ الصُّمُّ البُكْمُ الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ» : «همانا بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کر و لال هستند و اصلاً تَعقل نمی‌کنند».

نکته در این آیه کلمهٔ «لایَعْقِلون» اشاره به عقل یا تعقّل دارد.

* در روایات اسلامی عقل را حُجّت باطنی و پیامبران و امامان حُجّت ظاهری معرفی شده‌اند.
* در رابطه با ارتباط ایمان و عقل امام کاظم(ع) به هشام می‌فرماید : «یا هشام اِنَّ لِلّه عَلَی النّاسِ حُجَّتَین : حُجَّةٌ ظاهِرَةٌ وَحُجَّةٌ باطِنَةٌ فَاَمّا الظاهِرَةُ فالرّسُولُ والأنْبياءُ والاَئمَّةُ عَلَيْهِمْ السَّلامُ وَاَمّا الباطِنَةُ فَالْعُقُولْ» : «خداوند بر مردم دو حجت دارد : حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی، حجت آشکار، رسولان و انبیا و امامانند و اما حجت باطنی عقول مردمند.»

۲۴ـ از توجه در این کلام امام کاظم علیه‌السلام که می‌فرماید : «اِنَّ لِلّه علی النّاسِ حُجَّتَین : حُجَّة ظاهرة و حُجَّة باطِنَةٌ فأمّا الظّاهرةُ فالرَّسولُ والأنبياءُ والأئمّةُ عَليهم السّلام و أمّا الحُجَّةُ الباطِنَةُ فالعُقُولُ» **مفهوم می‌گردد که .... (علمی کاربردی ۸۷)**

۱) ابتنای ایمان بر عقل منوط به مشیت پروردگار است.
۲) خداوند هیچ ملتی را قبل از اتمام حجّت عذاب نمی‌کند.
۳) نبوت و استمرار آن در امامت دو وسیلهٔ الهی برای هدایت انسان است.
٤) هیچ امّتی نبوده است مگر آنکه از سوی خدا نذیری در بین آنان بوده است.

۲۵ـ از دقت در این سخن امام کاظم علیه‌السلام که می‌فرماید: «انّ لِلّه علی النّاس حُجّتین، حجة ظاهرة و حجّة باطنه» مفهوم می‌گردد که ..... است که عقل و دین ..... یک‌دیگرند. ((سراسری ۹۰ ـ نوبت صبح)

۱) ایمان دینی، مبتنی بر عقل ـ مکمّل
۲) خداوند بر انسان حجّت را تمام کرده ـ مکمّل
۳) خداوند بر انسان حجت را تمام کرده ـ مؤیّد
٤) ایمان دینی، مبتنی بر عقل ـ مؤیّد

* امام صادق(ع) در بیان ارتباط ایمان و عقل می‌فرماید : «عقل راهنمای مؤمن است»
* گزینش دین و پیروی از آن به وسیلهٔ عقل صورت می‌گیرد. هیچ فرقهٔ اسلامی عقلانیت را به کلّی انکار نکرده است. اختلاف فقط در قلمرو و حیطهٔ کارکرد عقل است. بنابراین همه دینداران از عقل استفاده می‌کنند، برخی از آن‌ها بیشتر و برخی کم‌تر.

د ـ ارتباط ایمان و عمل

* در برخی از روایات دربارهٔ ایمان و عمل آمده است که خداوند یکی را بدون دیگری نمی‌پذیرد.
* عمل نمود ظاهری ایمان است و اگر ایمان همراه با عمل نباشد در قلب ریشه ندوانیده است.
* قرآن در رابطه با ارتباط ایمان و عمل می‌فرماید : «قالَتِ الاَعْرابُ آمَنّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلكِن قُولُوا أَسْلَمْنا» : «بادیه‌نشیان گفتند : ایمان آورده‌ایم. بگو ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم.»

نکته در این آیه کلمهٔ (آمَنّا) که ریشهٔ آن (ایمان) است به ایمان اشاره دارد و کلمهٔ أَسْلَمنا که ریشهٔ آن (اسلام) است به ایمان ظاهری و ایمان بدون عمل اشاره دارد. منظور این است که این افراد ظاهراً ایمان آورده بودند و عمل صالح نداشتند.

۲۶ـ از دقت در آیهٔ شریفه «قالَتِ الاَعْرابُ آمَنّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلكِن قُولُوا أَسْلَمْنا ولمّا يَدْخُلِ الايمانُ في قلوبِكُم» **مفهوم می‌گردد که : (علمی‌کاربردی ۸۷)**

۱) در راه رسیدن به (ایمان) باید از طریق (اسلام) گذر کرد.
۲) اسلام، به معنای تسلیم و سرسپردگی، نتیجهٔ ایمان به خدا و روز جزا است.
۳) اسلام بادیه‌نشینان بی‌نصیب از ایمان و فارغ از عمل، اسلام تأثیرگذار است.
٤) ایمان، امری ورای اسلام است که لازمه‌اش توجه به (عمل) در حوزهٔ حلال و حرام است.

* امام صادق در جواب شخصی دربارهٔ کمترین مرتبهٔ ایمان، فرمود : اینکه آدمی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمّد(ص) گواهی دهد و اطاعت از حق را بپذیرد و امام زمان خود را بشناسد.

۲۷ـ از دقت در آیه‌ی شریفه «قالتِ الأعراب آمنّا قل لم تؤمنوا و لکن قولوا اسلمنا» به ..... که کم‌ترین مرتبه‌ی ایمان بـه بیـان امـام صـادق علیه‌السلام ..... می‌باشد، پی می‌بریم. (سراسری ۹۰ ـ نوبت عصر)

۱) ملازمه‌ی ایمان و عمل ـ بیرون راندن افکار شرک‌آمیز از درون و پاک شدن از آلودگی‌های اعتقادی
۲) تفاوت مفهومی ایمان و اسلام ـ بیرون راندن افکار شرک‌آمیز از درون و پاک شدن از آلودگی‌های اعتقادی
۳) ملازمه‌ی ایمان و عمل ـ گواهی به وحدانیّت خدا و بندگی و رسالت محمد(ص) و اطاعت از حق و شناخت امام زمان خود
٤) تفاوت مفهومی ایمان و اسلام ـ گواهی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد(ص) و اطاعت از حق و شناخت امام زمان خود

* ایمان راستین، ایمان توأم با عمل است.

* حضرت علی(ع) در رابطه با ایمان راستین می‌فرماید : «اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بـود، روزه و نمـاز و هـیچ حـلال و حرامـی تشریع نمی‌گشت.»

* هر عملی با هر نیّتی بر ایمان دلالت نمی‌کند.

* عمل بدون ایمان نزد خداوند، مانند خاکستری است که در روز طوفانی هیچ اثری از آن باقی نمی‌ماند و قرآن در رابطه با عمل بدون ایمان می‌فرماید : «داستان اعمال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، داستان خاکستری است که در روز طوفانی بادی سخت بوزد که هیچ از آن خاکسترها را نمی‌توانند کسب کنند.»

۲۸ـ از دقت در آیهٔ شریفه «قالَتِ الاَعْرابُ آمَنّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلکِن قُولُوا أَسْلَمْنا» **و از توجه در آیهٔ شریفهٔ** «مَثَلُ الَّذینَ کَفَـروا أعمـالَهُم کَرَمـادٍ اشتَدَّت بِهِ الرِّیحُ فی یومٍ عاصِفٍ» **به‌ترتیب کدام مفهوم دریافت می‌شود؟ (سراسری ۸۸ ـ نوبت عصر)**

۱) ملازمهٔ ایمان و عمل ـ بی‌ثباتی کفر و شرک
۲) تقدم ایمان بر اسلام ـ بی‌ثباتی کفر و شرک
۳) تقدم ایمان بر اسلام ـ ملازمهٔ ایمان وعمل
٤) ملازمهٔ ایمان و عمل ـ ملازمهٔ ایمان و عمل

* قرآن در آیه‌ای دیگر عمل کافران را به سراب تشبیه می‌کند : «کسانی که کفر ورزیدند، اعمالشان چون سرابی است در بیابان همـوار کـه تشنه آن را آب می‌پندارد»

هـ ـ ارتباط ایمان و اختیار

* تقبیح و تحسین افعال و استحقاق عِقاب و پاداشِ رفتار، نشان از اختیار است. یعنی اگر به کسی به‌خاطر انجام کار خوب پاداش دهند یا برای انجام کار بد او را مجازات کنند، نشان‌دهندهٔ آن است که آن شخص در انجام عمل مختار بوده است وگرنه کسی که از خـود هـیچ اختیـاری نداشته باشد نه شایستهٔ پاداش است و نه مستوجب عِقاب.

* ایمان کاملاً اختیاری است اما علم گاهی بدون اختیار نیز به‌دست می‌آید.

* در رابطه با اختیاری بودن ایمان قرآن می‌فرماید : «وَقُلِ الحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شآءَ فَلْیُؤْمِنْ وَمَنْ شآءَ فَلْیَکْفُرْ» : «بگو دین حق همان اسـت کـه از جانب پروردگار شما آمده است. پس هر کس می‌خواهد ایمان آورد و هر کس می‌خواهد کافر گردد.»

نکته در این آیه کلمهٔ (شاءَ) به معنای خواستن و دلالت بر اختیار دارد. از آیهٔ فوق نتیجه می‌گیریم که ایمان و کفر هر دو اختیاری هستند.

۲۹ـ خشنودی یا پشیمانی بعد از تحقّق عمل، نشانی بر وجود ..... در انسان است که آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن است. (سراسری ۹۰ ـ نوبت صبح)

۱) اختیار ـ «لا اقسم بالنّفس اللوّامة ولا اقسم بیوم القیامة»
۲) نفس ملامت‌گر ـ «لا اقسم بالنّفس اللوّامة ولا اقسم بیوم القیامة»
۳) نفس ملامت‌گر «وقلِ الحَق من ربّکم فمن شاءَ فلیؤمن و من شاءَ فلیکفر»
٤) اختیار ـ «و قلِ الحَق من ربّکم فمن شاءَ فلیؤمن و من شاءَ فلیکفر»

۳۰ـ از دقت در آیهٔ «وَقُلِ الحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شآءَ فَلْیُؤْمِنْ وَمَنْ شآءَ فَلْیَکْفُرْ» **مفهوم می‌گردد که ..... است. (سراسری ۸۷ ـ نوبت عصر)**

۱) ایمان و کفر انسان در عرض ارادهٔ خداوند و اختیاری است.
۲) ایمان و کفر انسان در طول ارادهٔ خداوند و اختیاری است.
۳) دین الهی انسان را در ایمان و کفر یک موجود مسؤول می‌داند.
٤) خداوند به صراحت کفر را مذمت و انسان را دعوت به ایمان می‌کند.

* قرآن دربارهٔ انکار ایمان از سر اختیار می‌فرماید : «انَّ الَّذینَ کذَّبوا بِآیاتنا واستَکْبروا عَنها لاتُفَتَّحُ لَهُـم أبـوابُ الـسَّماءِ ولا یَـدخُلونَ الجَنَّـة ... » : «کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از پذیرفتن آن‌ها تکبر ورزیدند، درهای آسمان برایشان گشوده نمی‌شود و در بهشت درنمی‌آیند و ...»

مفهوم (تکذیب کردن و تکبُّر ورزیدن) دو امر اختیاری هستند و نافرمانی خداوند از سر اختیار باعث خُسران و نابودی می‌شود.

۳۱ـ از دقت در آیهٔ شریفهٔ «انَّ الَّذینَ کذَّبوا بآیاتنا واسْتَکْبروا عَنها لاتُفَتَّحُ لَهُم أبوابُ السَّماءِ ولا یَدخُلونَ الجَنَّة ... »**کدام مفهوم دریافت می‌شود؟ (سراسری ۸۸ ـ نوبت صبح)**

۱) ملازمهٔ ایمان و عمل، آن هم عمل صالح جامع‌الأطراف است.

۲) ملازمهٔ ایمان و اختیار به دلیل مذمت کفر که مذمّت افعال غیراختیاری معنا ندارد.

۳) تکذیب آیات خداوند، استکبار را به دنبال دارد و فرجام این دو شقاوت اخروی است.

٤) درهای بهشتِ رحمت و غفّاریّت خداوند بر روی مستکبران مخالف نبوت انبیاء، برای همیشه بسته می‌ماند.

و ـ متعلقات ایمان

* متعلقات ایمان، تمام آن چیزهایی است که یک فرد مؤمن باید به آن‌ها ایمان داشته باشد. (اصول و فروع دین)

* از میان این متعلقات، ایمان به خدا (توحید)، ایمان به رسالت(نبوت) و ایمان به معاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند زیرا اصول دین محسوب می‌شوند. متعلقات ایمان همه از لوازم ایمان به خدا هستند.

* پیامبر گرامی اسلام(ص) در رابطه با اصول دین یا متعلقات ایمان می‌فرماید : «قُولُوا لا الهَ الّا اللهُ تُفْلِحُوا» : «بگویید خدایی جز خدای یکتا نیست تا رستگار شوید.»

نکته حدیث فوق به توحید اشاره دارد.

* یکی از متعلقات ایمان، ایمان به عالم غیب است.

* عالم غیب در مقابل عالم شهادت یا دنیای محسوس قرار دارد. عالم غیب از طریق عقل یا شهود و رؤیت قلبی قابل درک است درحالی که عالم شهادت از طریق حواس قابل درک است.

توجه ایمان به عالم غیب جداکنندهٔ نگرش دینی از نگرش الحادی یا مادّی‌گرایانه است. یعنی یک فرد مؤمن به عالم غیب و نامحسوس اعتقاد دارد درحالی که یک فرد ملحد به عالم غیب اعتقاد ندارد.

۳۲ـ از این که رسول خدا(ص)، آغاز دعوت خود را با عبارت «قُولُوا لا الهَ الّا اللهُ تُفْلِحُوا» **شروع فرمود، به اهمیت کدام موضوع، پی می‌بریم؟ (سراسری ۸۸ ـ نوبت عصر)**

۱) ایمان به عالم غیب در برابر عالم شهود، حد فاصل نگرش دینی از نگرش الحادی و مادی‌گرا است.

۲) متعلقات ایمان،مصداق‌های فراوان دارد که همهٔ آن‌ها به «توحید و ایمان به خدا» برمی‌گردند.

۳) اعتقاد به نبوت، معاد، امامت، قرآن، کتب الهی پیشین و فرشتگان از متعلقات ایمان است.

٤) قبول رسالت انبیای الهی، فلاح و رستگاری به دنبال دارد که حاکی از حکمت و ربوبیت خداوند است.

ز ـ درجات ایمان

* برترین درجه ایمان عصمت است که فرد هدفی جز رضای خدا ندارد. از آن‌جا که ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است و جلوهٔ آن عمل صالح است، به هر میزان که معرفت مؤمن عمیق‌تر گردد و عمل صالح او بیشتر گردد، ایمان او نیز استوارتر می‌گردد.

۳۳ـ مرتبهٔ برتر ایمان، آن است که فرد به درجهٔ ..... می‌رسد و هدفی جز رضایت خداوند ندارد. این ایمان مبتنی بر .... است و جلوهٔ آن ..... است. (سراسری ۸۷ ـ نوبت صبح)

۱) عصمت ـ رسالت ـ آرامش ۲) باور قلبی ـ معرفت ـ آرامش ۳) باور قلبی ـ رسالت ـ عمل صالح ٤) عصمت ـ معرفت ـ عمل صالح

۳٤ـ ایمان مبتنی بر ..... است و جلوه آن ..... است و مرتبه‌ی برتر ایمان آن است که فرد به درجه ..... برسد. (سراسری ۸۹ ـ نوبت صبح)

۱) معرفت ـ سعادت ـ یقین ۲)اقرار ـ سعادت ـ یقین ۳) اقرار ـ عمل صالح ـ عصمت ٤) معرفت ـ عمل صالح ـ عصمت

* در رابطه با درجات ایمان قرآن می‌فرماید : «انَّما المُؤمِنُون الَّذینَ اذا ذُکِرَاللهُ وَجِلَتْ قُلوبُهُمْ و إذا تُلِیَتْ عَلَیْهِم آیاتُهُ زادَتْهُمْ ایماناً و علی ربِّهِم یَتَوکّلون» : «مؤمنان همان کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دلهایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکّل می‌کنند.»

«هُوَالَّذی أنْزَلَ السَّکینَةَ فی قُلُوبِ المُؤْمِنینَ لِیَزْدادُوا ایماناً مَعَ ایمانِهِمْ» : «اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا بر ایمان خود بیفزایند.»

نکته در دو آیهٔ فوق کلمات (زادَ) و (یَزدادُ) به معنای زیاد شدن هر دو به درجات ایمان اشاره دارند و نکتهٔ آیه می‌باشند.

توجه منظور از سکینه در آیهٔ فوق آرامش و اطمینان‌خاطر است.

۳۵ـ از دقت در این کلام رسول خدا صلّی اللهُ علیه وآله که می‌فرماید «قولو الا اله الّا الله تُفلِحوا» مفهوم می‌گردد که وحدت بخش به تمام متعلقات ایمان .... است و توجه به آیه‌ی شریفه‌ی «هوالّذی آنزل السکینَة فی قُلوبِ المؤمنین لیزدادوا ایماناً مع ایمانِهم» ما را به ..... رهبری می‌کند. (سراسری ۹۰ ـ نوبت عصر)

۱) توحید و ایمان به خداوند ـ ذومراتب بودن ایمان
۲) ایمان به خدا و رسالت و معاد ـ ذومراتب بودن ایمان
۳) توحید و ایمان به خداوند ـ کسب آرامش درون در پرتو یاد خدا
٤) ایمان به خدا و رسالت و معاد ـ کسب آرامش درون در پرتو یاد خدا

* فرمودهٔ امام صادق (ع) در رابطه با درجات ایمان : «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود.»

۳۶ـ توجه در این سخن امام صادق (ع) که فرموده است : «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود» راه فهم را بر ..... که هماهنگ با آیهٔ شریفه ..... می‌باشد، می‌گشاید. (سراسری ۸۸ ـ نوبت صبح)

۱) ذو مراتب بودن ایمان ـ و إذا تُلِیَتْ عَلَیْهِم آیاتُهُ زادَتْهُمْ ایماناً
۲) هم‌گامی ایمان و عمل ـ و إذا تُلِیَتْ عَلَیْهِم آیاتُهُ زادَتْهُمْ ایماناً
۳) ذومراتب بودن ایمان ـ اِنَّما المُؤمِنُون الَّذینَ اذا ذُکِرَالله وَجِلَتْ قُلوبُهُمْ
٤) هم‌گامی ایمان و عمل ـ اِنَّما المُؤمِنُون الَّذینَ اذا ذُکِرَالله وَجِلَتْ قُلوبُهُمْ

پاسخنامه

قسمت‌های متن

۱ـ گزینه (٤) این آیه در کتاب درسی دربارهٔ خودشناسی آمده است و با توجه به اینکه منظور از خودشناسی، شناخت سرمایه‌های وجودی و به کمال رساندن آن‌هاست، پاسخ گزینه ٤ صحیح است.

۲ـ گزینه (۳) ترجمهٔ آیه : پس انسان باید بنگرد از چه آفریده شده است. در کتاب درسی متن عربی آیه نیامده است. در این آیه منظور از باید بنگرد این است که به نحوهٔ آفرینش خود بنگرد تا به خودشناسی برسد و از این طریق خدای خود را بشناسد و در قسمت دوم سؤال اشاره به فرموده امام علی (ع) دارد که خودشناسی باعث رسیدن به سعادت و کامیابی می‌شود.

۳ـ گزینه (۱) ترجمهٔ حدیث : چگونه دیگری را می‌شناسد کسی که خود را نمی‌شناسد. با توجه به ترجمهٔ حدیث نتیجه می‌گیریم که تا کسی خود را نشناسد، دیگران یا جهان اطراف خود را نمی‌شناسد که در گزینه ۱ قسمت دوم نیز بر همین مضمون دلالت دارد.

٤ـ گزینه (۳) ترجمه : هرکس خودش را بشناسد خدای خویش را می‌شناسد ـ چگونه می‌تواند دیگری را بشناسد کسی که به خودش شناخت ندارد. در روایت اول، کلمه (نفس) به خودشناسی و کلمه (رَبّ) به خداشناسی اشاره دارد. در روایت دوم کلمهٔ (غَیر) به جهان‌شناسی و کلمهٔ (نفس) به خودشناسی اشاره دارد.

۵ـ گزینه (۳) انسان باید در وجود خود بنگرد (به خودشناسی بپردازد) تا به خالق خود (خداشناسی) برسد.

۶ـ گزینه (۱) در این آیه کلمهٔ (سَوّی) اشاره به آفرینش جسم انسان و کلمهٔ (روح) اشاره به بُعد روحانی انسان دارد. براساس دیدگاه الهیّون حقیقت انسان روح الهی اوست نه جسم مادی.

۷ـ گزینه (۱) ترجمه : «سپس (خدا) جسم انسان را موزون آفرید و سپس از روح خودش در آن دمید» ــ «خداوند روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می‌ستاند». منظور از سَوّی در این آیه خلقت جسمانی انسان به صورت موزون و اعتدال و زیبا است و منظور از توَفّی أخذ و گرفتن روح توسط ملک‌الموت در هنگام مرگ و به‌طور کامل می‌باشد.

۸ـ گزینه (۳) ترجمه : بگو فرشتهٔ مرگ که بر شما وکیل شده است جان یا روح شما را می‌ستاند و آن‌گاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید. در هنگام مرگ فرشتهٔ مرگ روح انسان را می‌گیرد (روح از جسم جدا می‌شود) و روح مستقل از جسم به حیات خود در عالم برزخ ادامه می‌دهد.

۹ـ گزینه (۱) حقیقت انسان همان روح غیرمادی است که پس از مرگ در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد.

۱۰ـ گزینه (۳) تعریف متعلق شناخت : آن چیزی است که نسبت به آن شناخت یا ادراک کسب می‌کنیم.

تعریف ادراک عملی : هرگاه متعلق شناخت، عمل انسان از جهت خوب یا بد بودن یا شناختِ بایدها و نبایدها باشد به آن ادراک عملی یا شناخت عملی می‌گویند.

تعریف ادراک نظری : هرگاه متعلق شناخت، اشیاءِ، آن‌گونه که هستند یا خواهند بود، باشد، به این نوع شناخت، شناخت یا ادراک نظری می‌گویند.

در مورد قسمت آخر سؤال که فرمودهٔ امیرمؤمنان علی(ع) است، امور مربوط به خدا و عالم غیب در حوزهٔ علم حضوری و شهود عرفانی است که در آن واسطه‌ای وجود ندارد و ادراک بدون واسطه صورت می‌گیرد زیرا یک امر درونی است و عارف در این مرحله بدون هیچ واسطه‌ای خداوند را درک می‌کند. بزرگان معصوم مانند امیرالمؤمنین قبل از اینکه اشیاءِ را مشاهده کنند خدا را می‌بینند.

۱۱ـ گزینه (۲) از گرایش‌های اصیل انسان، میل و محبّت به خداست که از وی جدایی‌ناپذیر است. خداوند انسان را با فطرت دینی و الهی آفریده است و دگرگونی در آفرینش الهی وجود ندارد، از این رو است که امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید : «خداوندا تو قلب‌ها را بر محبّت خود آفریده‌ای». البته میل و گرایش به خدا ممکن است بر اثر شرایط محیطی در انسان ضعیف شود و انسان از این میل فطری غافل شود، از این رو وظیفهٔ پیامبران بیدار کردن و برانگیختن گنجینه‌های فطرت آدمی است.

۱۲ـ گزینه (٤) این گزینه به بحران اخلاقی اشاره دارد. در بقیهٔ گزینه‌ها موضوع خودشناسی وجود دارد.

۱۳ـ گزینه (٤) تأکید انحصاری بر یک نوع ابزار شناخت مانند : حس و تجربه یا عقل یا شهود عرفانی باعث بحران معرفتی در انسان می‌شود و این ناشی از عدم شناخت واقعی انسان است. انسان باید هر سه ابزار شناخت را معتبر بداند و از آن‌ها استفاده کند.

امروزه جهان از رذایل اخلاقی رنج می‌برد. در جهان معاصر، معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی، لذّت‌گرایی و سودگرایی مادّی است. با وجود پیشرفت‌های مادی و صنعتی و تکنولوژی در عصر جدید، انسان دچار انواع بحران‌های روانی و معنوی از جمله پوچ‌گرایی و بی‌معنا بودن زندگی گشته است.

۱۴ـ گزینه (۱) منظور از بحران معرفتی این است که انسان بخواهد منحصراً از یکی از ابزارهای شناخت (حس ـ عقل ـ وحی) استفاده کند در این صورت به شناخت یا معرفت واقعی نمی‌رسد و دچار بحران معرفتی می‌شود، پس بنا بر آموزه‌های دینی راه‌های شناخت عبارتند از حس، عقل و شهود عرفانی و وحی الهی که با بهره‌گیری از آن‌ها انسان به سعادت دنیوی و اخروی می‌رسد.

بحران اخلاقی زمانی به‌وجود می‌آید که انسان پشتوانهٔ دینی نداشته باشد و معتقد به جزا و پاداش اخروی نباشد. برای مؤمنان واقعی عشق و محبت به خدا انگیزهٔ عمل به دستورات الهی است و برای برخی دیگر پاداش و عقاب اخروی و تجسم اعمال در آخرت انگیزهٔ میل به فضایل اخلاقی است.

در مورد قسمت سوم سؤال که بحران روانی است، بسیاری از بحران‌های روانی به استغنا از خدا و بی‌معنایی و بی‌هدفی زندگی برمی‌گردد. انسانی که هستی خود را از خدا و بازگشت خود را به او می‌داند و زندگی دنیا را محل آزمایش و ابتلاء می‌شمارد هرگز دچار پوچی و سرگشتگی و بحران روانی نمی‌شود.

۱۵ـ گزینه (۲) ترجمه : و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ خواهد داشت.

قرآن کریم زندگی تنگ و سخت را معلول روی‌گردانی از خدا می‌داند. این‌گونه افراد در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی دچار سرخوردگی و بحران‌های روانی می‌شوند. انسانی که زندگی این جهان را ابتلاء و آزمایش و آمادگی برای حضور در درگاه الهی می‌داند هرگز مشکلات زندگی او را مأیوس و مضطرب نخواهد کرد و دچار بحران روانی نخواهد شد.

۱۶ـ گزینه (۱) توضیح تست شمارهٔ ۱۵

۱۷ـ گزینه (۱) یونگ نقش داشتن دیدگاه دینی را در حل بحران‌های روانی بسیار مؤثر می‌داند.

۱۸ـ گزینه (۲) غم، شادی و امید از امور درونی هستند و ادراک آن‌ها مربوط به علم حضوری است. رابطهٔ بین ایمان و علم نیز تساوی نیست یعنی هرگز علم مساوی با ایمان نیست بلکه ایمان عام از علم است یعنی هر علمی مساوی با ایمان نیست بلکه ایمان باید بر پایهٔ علم و شناخت باشد تا ایمان واقعی باشد. یعنی هر کس که علم و شناختش نسبت به خداوند بیشتر باشد ایمان او قوی‌تر است.

۱۹ـ گزینه (۳) ترجمه : از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌هراسند. منظور این است که خشیت الهی ناشی از علم و شناخت نسبت به خداوند است و هر کس او را بیشتر بشناسد خشیت او را بیشتر در دل دارد.

۲۰ـ گزینه (۱) منظور از دانشمندان در این آیه کسانی هستند که علم و آگاهی بیشتری نسبت به خداوند دارند و هیمن علم و آگاهی سبب خشیّت و ترس آن‌ها نسبت به خدا و در نتیجه استحکام پایه‌های ایمان آن‌ها می‌گردد.

جملهٔ کتاب در این رابطه : «بنابر آیه‌ای دیگر، خشیت الهی که از لوازم ایمان است، ناشی از علم و آگاهی به خداوند است»

۲۱ـ گزینه (٤) این آیه می‌فرماید که قوم بنی‌اسرائیل هر چند که یقین داشتند (تقدم یقین بر ایمان) ولی بعد از آن ایمان نیاوردند (تأخّر ایمان از یقین) و در آخر آیه می‌فرماید به‌دلیل روحیهٔ ظالمانه و تکبر ایمان نیاورند (مؤثر قرار دادن ظلم و تکبر بر پذیرش ایمان).

۲۲ـ گزینه (۲) ترجمه آیهٔ اول : زور و اجباری در دین نیست به‌راستی که راه هدایت از گمراهی مشخص شده است. در این آیه خداوند می‌فرماید که راه هدایت از گمراهی مشخص شده است، منظور این است که شناخت و علم به شما داده شده است، بنابراین تأکید این آیه به این است که اگر ایمان را انتخاب می‌کنید با شناخت کامل و علم باشد که پایه‌های ایمان استوار باشد.

ترجمهٔ آیهٔ دوم : همانا دانشمندان از میان بندگان، بیشتر از خدا می‌ترسند زیرا خشیت الهی ناشی از علم و شناخت نسبت به خداوند است.

۲۳ـ گزینه (٤) توجه داشته باشید که این آیه در متن کتاب در قسمت ارتباط (ایمان و معرفت یا علم) آمده است نه ایمان و اختیار. در این آیه (قَد تَبَیَّنَ الرُّشدُ مِنَ الغَیِ : روشن شده است راه هدایت از گمراهی»، روشن شدن راه هدایت و گمراهی اشاره به معرفت یا شناخت یا علم دارد، یعنی انسان باید با علم و شناخت راه خود را انتخاب کند، و بعد از آن در ادامهٔ آیه بحث کفر و ایمان مطرح شده است (فَمَن یَکْفُر بالطّاغوت و یُؤمِن بالله».

این آیه بیان می‌دارد که ایمان باید همراه با معرفت و علم باشد و ایمان بدون معرفت و علم ارزش و پاداشی ندارد، بنابراین گزینه ۱ صحیح است. همچنین همانطور که در متن عربی آیه می‌بینید اوّل بحث تبیین راه درست از باطل مطرح شده سپس بحث کفر و ایمان. پس گزینهٔ ۲ نیز صحیح است و همچنین از دیدگاه قرآن ایمان مبتنی بر معرفت و علم است یعنی پایه‌های ایمان باید بر شناخت و معرفت و علم استوار

باشد ولی چنین نیست که هر کسی که معرفت و علم داشته باشد ضرورتاً ایمان نیز داشته باشد چه بسا کسانی که معرفت و علم دارند ولی ایمان ندارند. با توجه به این توضیح گزینهٔ ۳ نیز صحیح است ولی گزینه ٤ نادرست است.

۲٤ـ گزینه (۱) هر چند که جواب گزینهٔ ۱ نیز کامل نیست اما بهترین گزینه است زیرا فقط در این گزینه ارتباط ایمان و عقل بیان شده است. در سایر گزینه‌ها ارتباط ایمان و عقل بیان نشده است. (ترجمهٔ حدیث در متن درس آمده است.)

۲۵ـ گزینه (٤) از دیدگاه اسلام، ایمان دینی مبتنی بر عقل است. عقل، دین را و دین عقل را تأیید می‌کند.

۲۶ـ گزینه (٤) فقط در گزینهٔ ٤، ارتباط ایمان و عمل مطرح شده است.

۲۷ـ گزینه (۳) ترجمهٔ آیه : اعراب گفتند ایمان آورده‌ایم : (ای محمد به آنان) بگو ایمان نیاورده‌اید بلکه بگوئید اسلام آورده‌ایم. این آیه بیان می‌دارد که این اعراب ظاهراً ایمان آورده بودند و عمل فرد مؤمن را نداشتند. یعنی ایمان آنان همراه با عمل نبود (ملازمهٔ ایمان و عمل) و فقط از سر ناچاری اسلام آورده بودند و تسلیم شده بودند.

۲۸ـ گزینه (٤) ترجمهٔ آیهٔ اول : (اعراب گفتند ما ایمان آورده‌ایم، بگو ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم) منظور این است که فقط ظاهراً ایمان آورده‌اید و عمل همراه آن نیست (ارتباط ایمان و عمل)

ترجمهٔ آیهٔ دوم : (مثل کسانی که کفر ورزیدند مانند کسانی است که اعمال آنان مانند خاکستری است که در روزی طوفانی بادی سخت به آن بوزد) منظور این است که کسانی که عمل صالح نداشته باشند، ایمان ظاهری آنان هیچ سودی برای آنان ندارد (ارتباط ایمان و عمل را بیان می‌کند.)

۲۹ـ گزینه (٤) انسان مختار پس از انجام عمل خشنود یا پیشمان می‌شود زیرا عمل را با اختیار خود انجام داده است، برای شخص مجبور پشیمانی یا خشنودی پس از عمل بی‌معنی است.

۳۰ـ گزینه (۲) به‌طور کلی اراده و اختیار انسان در طول ارادهٔ خداوند است یعنی هر چند که ما مختار هستیم اما اختیار ما تحت ارادهٔ الهی است و مستقل از آن و در عرض آن نیست. در گزینه‌های ۳ و ٤ نیز ارتباط ایمان و کفر و اختیار بیان نشده است. (ترجمهٔ آیه در متن درس آمده است.)

۳۱ـ گزینه (۲) با توجه به توضیحی که در متن درس داده شد، ایمان و کفر دو امر اختیاری هستند و اگر کفر مذمت می‌شود به‌خاطر این است که شخص با اختیار خویش راه کفر و عناد را درپیش گرفته است و مستوجب عقاب و مجازات است اگر کفر و ایمان اجباری بود در این صورت مذمّت یا مجازات کردن کسی که کافر شده است بی‌معنی بود. (ترجمهٔ آیه در متن درس آمده است.)

۳۲ـ گزینه (۲) «قولوا لا اله الّا الله تفلحوا» به موضوع توحید و ایمان به خدا اشاره دارد که از متعلقات ایمان است که در گزینهٔ ۲ آمده است. در سایر گزینه‌ها اشاره‌ای به این موضوع نشده است و به سایر متعلقات ایمان اشاره شده است.

۳۳ـ گزینه (٤)

۳٤ـ گزینه (٤) جملهٔ کتاب در این رابطه : مرتبهٔ برتر ایمان آن است که فرد به درجهٔ عصمت می‌رسد و هدفی جز رضایت خداوند ندارد. از آنجا که ایمان مبتنی بر معرفت است و جلوهٔ آن عمل صالح است، چون معرفت مؤمن عمیق‌تر گردد و عمل صالح او بیش‌تر شود، ایمان او نیز استواری بیشتری می‌گیرد.

۳۵ـ گزینه (۱) همه متعلقات ایمان نهایتاً به ایمان به خدا برمی‌گردند. در قسمت دوم سؤال (یزدادوا) اشاره به زیاد شدن درجات یا مراتب ایمان دارد.

تذکر : ذومراتب به معنای دارای درجات یا مراتب بودن است.

۳۶ـ گزینه (۱ و ۳) هر دو می‌توانند جواب صحیح باشند. زیرا فرمودهٔ امام صادق(ع) به درجات ایمان (ذومراتب بودن ایمان) اشاره دارد و هر دو آیهٔ گزینه ۱ و ۳ نیز به ذو مراتب بودن یا درجات ایمان اشاره دارند. امّا چون طراح سؤال احتمالاً به نکته آیه که (زادتهم ایماناً) است توجه داشته است گزینهٔ ۱ را ترجیح داده است.

تستهای تکمیلی

۱ـ مهم‌ترین مسئله مربوط به انسان کدام است؟

۱) شناخت خدا ۲) شناخت دین ۳) شناخت سعادت ٤) شناخت خود

۲ـ اگر انسان غفلت بورزد و استعدادهای خود را شکوفا نسازد چه اتفاقی می‌افتد؟

۱) در امیال شهوانی خود غرق می‌شود.

۲) فقط نیازهای مادی خود را برآورده می‌کند.

۳) گرفتار خسران می‌گردد و از مرتبهٔ انسانیت به حیوانیّت سقوط می‌کند.

٤) دیرتر به کمال می‌رسد.

۳ـ دعوت به شناخت انسان از توصیه‌های کدام یک نیست؟

۱) عارفان ۲) دانشمندان ۳) فیلسوفان ٤) پیامبران

٤ـ منظور از شناخت انسان کدام یک از موارد است؟

۱) شناخت جامعهٔ انسان ۲) شناخت تاریخ انسان

۳) شناخت استعدادها و نیروهای انسان ٤) شناخت هدف انسان

۵ـ کدام یک از آیات زیر دربارهٔ موضوع خودشناسی نیست؟

۱) از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌هراسند.

۲) انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است.

۳) آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است.

٤) ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خود بپردازید.

۶ـ عبارت زیر از کیست؟ «انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود بپردازد.»

۱) امام علی(ع) ۲) سُقراط ۳) امام صادق(ع) ٤) کانت

۷ـ فرمودهٔ امیرمؤمنان(ع) : «کَیْفَ یَعْرِفُ غَیْرَهُ مَنْ یَجْهَلُ نَفْسَهُ» به کدام یک از دلایل خودشناسی اشاره دارد؟

۱) مقدمهٔ خداشناسی ۲) مقدمهٔ جهان‌شناسی ۳) مقدمهٔ کمال انسان ٤) حلال مشکلات

۸ـ عبارت زیر مربوط به کدام یک از موارد ضرورت خودشناسی است؟

«اگر آدمی قبل از هر چیز خود را بشناسد بهتر می‌تواند از سرمایه‌های وجود خود بهره ببرد و آن‌ها را شکوفا سازد.»

۱) خودشناسی مقدمهٔ کمال انسانی ۲) خودشناسی مقدمهٔ جهان‌شناسی

۳) خودشناسی مقدمهٔ خداشناسی ٤) خودشناسی حلال مشکلات انسان

۹ـ آیهٔ زیر به چه موردی اشاره دارد؟ «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما، آیا نمی‌بینید؟»

۱) ارتباط خودشناسی با جهان‌شناسی ۲) ارتباط خودشناسی با خداشناسی

۳) جویندگان یقین به خودشناسی می‌رسند ٤) ارتباط جهان‌شناسی با تفکر در خود

۱۰ـ عبارت زیر در ارتباط با کدام یک از دلایل خودشناسی است؟ «وجود انسان وجودی وابسته و ممکن‌الوجود است.»

۱) مقدمهٔ کمال انسان ۲) مقدمهٔ خداشناسی ۳) حلال مشکلات ٤) مقدمهٔ جهان‌شناسی

۱۱ـ از آیهٔ شریفهٔ «ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز و ستوده است» کدام مورد مستفاد نمی‌گردد؟

۱) اشاره به بعد گرایشی انسان دارد. ۲) اشاره به بُعد ادراکی روح انسان دارد.

۳) ارتباط خودشناسی با خداشناسی را بیان می‌کند. ٤) به واجب‌الوجود بودن خداوند و ممکن‌الوجود بودن انسان اشاره دارد.

۱۲ـ ریشهٔ اکثر مکاتب ساختهٔ دست انسان است:

۱) عدم شناخت خدا ۲) عدم شناخت انسان ۳) عدم شناخت جهان ٤) عدم اعتقاد به آخرت

۱۳ـ از آیهٔ زیر کدام مورد دریافت نمی‌شود؟ «وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوُا فی سَبیل اللهِ اَمْواتاً بَلْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ»

۱) انسان از دو ساحت بدن مادی و روح غیرمادی به‌وجود آمده است. ۲) حقیقت انسان همان ساحت مادی اوست که اثرگذار است.

۳) ساحت غیرمادی انسان اصیل است و جسم ابزار روح است. ٤) اشاره به زندگی برزخی شهدا دارد.

۱٤ـ کدام یک از موارد زیر نادرست است؟

۱) شناخت یا ادراک غم و شادی بی‌واسطه است. ۲) علم حصولی یک شناخت باواسطه است.

۳) علم حضوری شناختی با واسطه است. ٤) ادراک عملی مربوط به حوزهٔ عمل انسانی است.

۱۵ـ گاهی متعلق علم حضوری، خدا و امور مرتبط با خداست که به آن ..... می‌گویند.

۱) علم حضوری ۲) شهود حصولی ۳) ادراک نظری ٤) شهود عرفانی

۱۶ـ این که امیرمؤمنان (ع) قبل از آنکه اشیاء را مشاهده کند، خدا را می‌بیند، شامل کدام مورد زیر است؟

۱) علم حصولی ۲) علم حضوری ۳) شهود عرفانی ٤) شهود لحظه‌ای

۱۷ـ علم به تکالیف و وظایف انسان همان ..... است.

۱) حکمت نظری ۲) حکمت عملی ۳) شهود عرفانی ٤) علم حصولی

۱۸ـ اینکه : «عدالت خوب است یا انسان باید راست بگوید» مربوط به کدام حوزه است؟

۱) شناخت عملی ۲) شناخت نظری ۳) شناخت شهودی ٤) شناخت علمی

۱۹ـ این جملهٔ امیرالمؤمنین (ع) که فرمود : «خداوندا، تو قلب‌ها را بر محبّت خود آفریده‌ای» به کدام یک از ابعاد انسان اشاره دارد؟

۱) بعد گرایش‌های انسانی ۲) بعد ادراکی ۳) بعد ادراکات حصولی ٤) بعد ادراکات حضوری

۲۰ـ ارسال پیامبران و دعوت به دین به کدام یک از ابعاد روح انسان اشاره دارد؟

۱) گرایش‌های حیوانی ۲) بُعد ادراکی روح ۳) بُعد شناختی روح ٤) گرایش‌های انسانی

۲۱ـ بحران‌های انسان معاصر نظیر بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی و معنوی و ... از چه چیزی ناشی شده‌اند؟

۱) خودناشناسی ۲) خودشناسی ۳) جهان‌شناسی ٤) خداناشناسی

۲۲ـ اگر انسان به‌جای تکیه بر همهٔ ابزارهای شناخت فقط بر یک نوع ابزار شناخت تأکید کند دچار چه نوع بحرانی می‌شود؟

۱) بحران روانی ۲) بحران معنوی ۳) بحران معرفتی ٤) بحران اخلاقی

۲۳ـ غفلت از ساحت غیرمادی انسان و فضایل فطری او و عدم توجه به خدا و تعالیم پیامبران الهی ریشهٔ کدام یک از بحران‌های پیش‌روی انسان است؟

۱) بحران معرفتی ۲) بحران روانی ۳) بحران معنوی ٤) بحران اخلاقی

۲٤ـ حدیث : «انّی بُعِثتُ لِأُتَمِّمَ مکارم الأخلاق» از پیامبر گرامی اسلام(ص) به کدام یک از بحران‌های پیش‌روی انسان اشاره دارد؟

۱) بحران معرفتی ۲) بحران روانی ۳) بحران اخلاقی ٤) بحران معنوی

۲۵ـ بی‌هویتی، پوچ‌گرایی و احساس تنهایی ریشه در کدام یک از بحران‌های پیش‌روی انسان دارد؟

۱) بحران روانی و معنوی ۲) بحران اخلاقی ۳) بحران معرفتی ٤) بحران اقتصادی

۲۶ـ آیهٔ : «لِکَیلا تأسَوا علی مافاتَکُم ولا تَفرَحُوا بما آتاکُم» به کدام یک از بحران‌های پیش‌روی انسان اشاره دارد؟

۱) بحران روانی ۲) بحران اخلاقی ۳) بحران معرفتی ٤) بحران اقتصادی

۲۷ـ کدام یک از آیات زیر به بحران روانی اشاره دارند؟

۱) «ألا بِذِکْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ القُلوبُ» ۲) «ولا تَهِنوا ولا تَحزَنوا و أنتم الأعْلَونَ»

۳) «وَلا یَخافونَ لَومَةَ لائمٍ» ٤) همهٔ موارد

۲۸ـ قرآن کریم ..... را عامل رستگاری و از ویژگی‌های پرهیزگاران و هدایت‌یافتگان می‌شمارد.

۱) اسلام ۲) خدا ۳) تقوا ٤) ایمان

۲۹ـ این فرموده در تعریف ایمان از کیست؟ «ایمان، تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضا است.»

۱) امام علی(ع) ۲) امام رضا(ع) ۳) حضرت محمد(ص) ٤) امام سجاد(ع)

۳۰ـ در آیهٔ «لا اکراه فی‌الدّین ...» این که موضوع کفر و ایمان بعد از شناخت راه درست از باطل مطرح شده است بیانگر چیست؟ بیانگر این است که .... .

۱) ایمان مقدم بر شناخت است. ۲) تشخیص کفر از ایمان مشکل است.

۳) ارتباطی میان شناخت و ایمان وجود ندارد. ٤) ایمان بدون شناخت میسر نیست.

۳۱ـ مضمون آیهٔ زیر چیست؟ «ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم شاید که تعقّل کنید»

۱) اهمیت زبان عربی ۲) اهمیت قرآن و هدایت

۳) اهمیت تعقّل ٤) اهمیت عمل به قرآن در سعادت انسان

۳۲ـ در روایات اسلامی ..... را حجت ظاهری و ..... را حجت باطنی می‌نامند.

۱) پیامبران و امامان ـ عقل ۲) عقل ـ پیامبران و امامام ۳) قرآن ـ عقل ٤) عقل ـ قرآن

۳۳ـ از حدیث زیر از امام کاظم(ع) کدام مورد مستفاد نمی‌گردد؟

یا هشام انَّ لِلّه عَلَی النّاسُ حُجَّتَین : حُجَّةٌ ظاهِرَةٌ وَحُجَّةٌ باطِنَةٌ فَاَمّا الظاهِرَةُ فالرّسُولُ والأنْبیاءُ والاَئمَّةُ عَلَیْهِمْ السَّلامُ وَاَمّا الباطِنَةُ فَالْعُقُولْ»

۱) اهمیت تعقل در اسلام ۲) تأکید بر برابری حجت ظاهری و باطنی در اسلام

۳) پیامبران و امامان راهنمایان بیرونی انسان هستند. ٤) عقل حجت و راهنمای درونی انسان است.

۳۴ـ روایت زیر از کیست؟ «العَقلُ دلیلُ المؤمنِ»

۱) امام صادق(ع) ۲) امام کاظم(ع) ۳) امام رضا(ع) ٤) امام سجّاد(ع)

۳۵ـ گزینش دین و پیروی از آن به وسیلهٔ ..... صورت می‌گیرد.

۱) وحی ۲) پیامبران و امامان ۳) خدا ٤) عقل

۳۶ـ گزینه غلط کدام است؟

۱) با استدلال عقلانی است که آدمی پیروی از دین را سعادت‌بخش می‌داند.

۲) بعضی از فرقه‌های اسلامی عقل را به کلّی انکار می‌کنند.

۳) اختلاف فرقه‌های اسلامی فقط در قلمرو و حیطهٔ کارکرد عقل است.

٤) عقلانیت منهای وحی به ایمان منتهی نمی‌شود.

۳۷ـ مضمون آیه‌زیر چیست؟ «إنَّ شَرَّ الدَّوابِّ عِنْدَ اللهِ الصُّمُّ البُکْمُ الَّذینَ لا یَعْقِلُونَ»

۱) تأکید بر تعقل در اسلام ۲) تأکید بر علم و معرفت

۳) اهمیت چارپایان برای انسان ٤) برتری داشتن افراد کر و لال بر کسانی که تعقل نمی‌ورزند

۳۸ـ این عبارت که «خداوند یکی را بدون دیگری نمی‌پذیرد» به کدام یک از موارد زیر اشاره دارد؟

۱) ایمان و عقل ۲) ایمان و عمل ۳) ایمان و معرفت ٤) ایمان و اختیار

۳۹ـ آیهٔ زیر در مورد چیست؟ «قالَتِ الاَعْرابُ آمَنّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلکِن قُولُوا أَسْلَمْنا»

۱) برتری عمل نسبت به ایمان ۲) اهمیت دین اسلام

۳) ارزش ایمان توأم با عمل ٤) ارزش ایمان برای اعراب صدر اسلام

٤۰ـ روایت زیر از امام صادق(ع) دربارهٔ کدام مورد زیر است؟

«اینکه آدمی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد(ص) گواهی دهد و اطاعت از حق را بپذیرد و امام زمان خود را بشناسد»

۱) ایمان راستین ۲) بالاترین درجهٔ ایمان ۳) کمترین درجهٔ ایمان ٤) ایمان توأم با عمل

٤۱ـ ایمان راستین همان ایمان ..... است.

۱) توأم با معرفت ۲) توأم با اختیار ۳) توأم با تعقّل ٤) توأم با عمل

٤۲ـ روایت امام علی(ع) بیانگر کدام یک از موارد زیر است؟

«اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بود، روزه و نماز و هیچ حلال و حرامی تشریع نمی‌گشت»

۱) ارزش نماز و روزه ۲) ارزش بر زبان آوردن شهادتین ۳) ارزش ایمان توأم با معرفت ٤) ارزش ایمان توأم با عمل

٤۳ـ خداوند در قرآن عمل بدون ایمان را به ..... و اعمال کافران را به ..... تشبیه کرده است.

۱) خاکستر در روز طوفانی ـ سراب ۲) سراب ـ خاکستر در روز طوفانی

۳) کار بیهوده ـ آتش در روز طوفانی ٤) سراب ـ عمل بدون پاداش

٤٤ـ پیام آیهٔ شریفهٔ «وَقُلِ الحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شآءَ فَلْیُؤْمِنْ وَمَنْ شآءَ فَلْیَکْفُر» **این است که ..... .**

۱) ایمان و کفر دو امر اختیاری هستند. ۲) خدا دین حق را برای سعادت انسان قرار داد.

۳) فقط دین خدا سعادت بشر را تأمین می‌کند. ٤) مشیت خداوند بر تقدم ایمان بر کفر تعلق گرفته است.

٤۵ـ تقبیح و تحسین افعال و استحقاق عقاب و پاداش رفتار، نشان از چیست؟

۱) عدل ۲) اختیار ۳) ایمان ٤) وجود جزا و پاداش

٤۶ـ این عبارت که «برخی اوقات فرد در فضایی قرار می‌گیرد که به ناگزیر صدایی را می‌شنود و یا چیزی را می‌بیند» مصداق کدام مورد زیر است؟

۱) اختیاری بودن علم ۲) جبری بودن علم ۳) اختیاری بودن ایمان ٤) جبری بودن ایمان

٤۷ـ عالم محسوس یا شهادت چگونه عالمی است؟

۱) از طریق حواس قابل درک نیست. ۲) فقط از طریق عقل و رؤیت قلبی درک می‌شود.

۳) از طریق حواس قابل درک است. ٤) عالم شهادت همان عالم غیب است.

٤۸ـ کدام یک از موارد زیر جداکنندهٔ نگرش دینی از نگرش الحادی و مادی‌گرایانه است؟

۱) اعتقاد به وجود عقل ۲) ایمان به عالم غیب ۳) ایمان به عالم شهادت ٤) ایمان به متعلقات دین

٤۹ـ جلوهٔ ایمان ..... است.

۱) تقوا ۲) ایمان به آخرت ۳) سیمای نورانی ٤) عمل صالح

پاسخنامه

تستهای تکمیلی

۱ـ گزینه (٤) خودشناسی از مهم‌ترین مسایل مربوط به انسان است و انسان تا خود را نشناسد به شناخت خدا ـ سعادت و دین دست نمی‌یابد.

۲ـ گزینه (۳) گزینه‌های ۱ و ۲ جواب‌های کاملی نیستند و گزینهٔ ٤ غلط است.

۳ـ گزینه (۲)

٤ـ گزینه (۳) خودشناسی عبارت است از شناخت استعدادها و نیروهای انسان و سرمایه‌های وجودی او برای رسیدن به کمال.

۵ـ گزینه (۱) موضوع آیهٔ گزینهٔ ۱ خداشناسی است نه خودشناسی. در این آیه منظور از دانشمندان کسانی هستند که علم بیشتری نسبت به خداوند دارند. در گزینهٔ ۲، (باید بنگرد یعنی باید به خود بنگرد = خودشناسی). در گزینهٔ ۳، (حال آن که چیزی نبوده است) منظور این است که باید به اصل خویش فکر کند که از کجا آمده است و این همان خودشناسی است. در گزینهٔ ٤، (به خود بپردازید) منظور همان شناخت خویش یا خودشناسی است.

۶ـ گزینه (٤)

۷ـ گزینه (۲) در این روایت کلمهٔ (نفس) به خودشناسی و کلمهٔ (غیر) به جهان‌شناسی اشاره دارد.

ترجمه : چگونه می‌تواند غیر از خود (جهان) را بشناسد کسی که خود را نشناخته است؟

۸ـ گزینه (۱) با توجه به عبارت، نتیجهٔ خودشناسی، شکوفایی استعدادها و بهره‌گیری از آن‌هاست که انسان را به کمال می‌رساند.

۹ـ گزینه (۲) سیر در آفاق یا نگرش در زمین و دیدن نشانه‌های خداوند و همچنین سیر در انفس یا نگرش در خود (خودشناسی) باعث می‌شود انسان به خالق علیم و حکیم پی ببرد (خداشناسی).

۱۰ـ گزینه (۲) اگر انسان در ساختار خود تأمّل کند وابستگی خود را به آفریدگار خود درک می‌کند و از این طریق به خداشناسی می‌رسد.

۱۱ـ گزینه (۲) موضوع این آیه ارتباطی با بُعد ادراکی روح انسان (ادراک نظری و ادراک عملی) که شامل درک یا شناختِ انسان از موضوعات پیرامون است، ندارد.

۱۲ـ گزینه (۲) وجود این همه مکاتب ساختهٔ دست بشر که هر کدام راهی را برای رسیدن به سعادت به انسان پیشنهاد می‌کنند، به‌دلیل عدم شناخت صحیح از انسان، نیازها و سعادت اوست.

۱۳ـ گزینه (۲) حقیقت و واقعیت انسان روح غیرمادی اوست که بعد از مرگ نیز به حیات خود ادامه می‌دهد ولی جسم مادی از بین می‌رود.

۱٤ـ گزینه (۳) علم حضوری مربوط به درک احساسات درونی است و نیاز به هیچ واسطه‌ای ندارد. در حالی که در علم حصولی که مربوط به ادراک امور پیرامونی است واسطه نیاز است و واسطهٔ ما مفاهیم ذهنی ما هستند.

۱۵ـ گزینه (٤) شهود عرفانی درک و مشاهده قلبی خداوند است که مخصوص عرفای بزرگ یا معصومین است و هر کسی نمی‌تواند به راحتی به این درجه از درک برسد.

۱۶ـ گزینه (۳) مرتبه‌ای از علم حضوری که مربوط به درک خداوند است شهود عرفانی نامیده می‌شود.

۱۷ـ گزینه (۲) حکمت عملی عبارت است از علم به تکالیف و وظایف انسان و همچنین علم به بایدها و نبایدها و علم به خوب و بد رفتار و عمل انسان.

۱۸ـ گزینه (٤) توضیح تست شمارهٔ ۱۷.

۱۹ـ گزینه (۱) در این فرموده، (محبت به خدا) مطرح شده است که همان گرایش به خداست و به بعد گرایشی انسان اشاره دارد.

۲۰ـ گزینه (٤) وظیفهٔ پیامبران این است که گرایش‌های فطری و اصیلی را که در وجود هر انسان هست بیدار سازند.

۲۱ـ گزینه (۱)

۲۲ـ گزینه (۳) بحران معرفتی به این معناست که انسان به شناخت یا معرفت صحیح از امور دست پیدا نکند و آن هم به دلیل تأکید افراطی بر یک نوع ابزار شناخت (مثلاً حس و تجربه) و غافل شدن از ابزارهای دیگر شناخت (عقل ـ وحی) می‌باشد.

۲۳ـ گزینه (٤) اگر انسان از فضایل فطری که خداوند، دین و پیامبران در اختیار او قرار داده‌اند غفلت کند و فقط به فکر لذّت‌گرایی و سودگرایی باشد به بحران اخلاقی دچار می‌شود.

۲٤ـ گزینه (۳) ترجمه : من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج خود برسانم.

۲۵ـ گزینه (۱) کسانی که از خدا دور شده و در زندگی دنیوی غرق گشته‌اند نهایتاً به پوچی و بی‌معنا بودن زندگی می‌رسند و دچار بحران روانی و معنوی می‌شوند اما کسانی که زندگی دنیا را محلی برای آماده شدن در محضر خداوند می‌دانند با انگیزه و شوق به امور دنیایی می‌پردازند و هرگز دچار یأس، سرخوردگی و پوچی نمی‌شود.

۲۶ـ گزینه (۱) انسانی که زندگی دنیا را محل آزمایش و ابتلا می‌داند، هرگز برای آن‌چه که از دست داده غمگین نمی‌شود و به آن‌چه که بدست می‌آورد دلبستگی پیدا نمی‌کند. در نتیجه هرگز دچار بحران روانی و یأس و افسردگی نمی‌شود.

ترجمه آیه : تا برای آن‌چه که از دست می‌دهید غمگین نشوید و با آن‌چه که به‌دست می‌آورید شاد نشوید.

۲۷ـ گزینه (٤)

ترجمه گزینهٔ ۱ : آگاه باشید فقط با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد.

ترجمهٔ گزینه ۲ : بی‌دلیل شاد مشوید و بی‌دلیل غمگین مباشید درحالی که شما بالاترید.

ترجمهٔ گزینه ۳ : (آنان که اعتقاد قوی دارند) هرگز از ملامت افراد سرزنش‌کننده نمی‌ترسند.

۲۸ـ گزینه (٤)

۲۹ـ گزینه (۲)

۳۰ـ گزینه (٤) در این آیه خداوند می‌فرماید : (قَد تَبَیَّنَ الرُّشدُ مِن الغَیّ) یعنی راه هدایت از گمراهی مشخص شده است و این همان شناخت است و در ادامهٔ آیه بحث کفر و ایمان را مطرح می‌کند، و این نشان‌دهندهٔ آن است که ایمان باید براساس شناخت و آگاهی انتخاب شود و ایمان بدون شناخت ارزشی ندارد.

۳۱ـ گزینه (۳) کلمهٔ (تعقّل) که در این آیه بکار رفته است، به اهمیت تعقل اشاره دارد و همچنین این آیه به ارتباط ایمان و عقل اشاره می‌کند.

۳۲ـ گزینه (۱)

۳۳ـ گزینه (۲) در این حدیث اشاره‌ای به برابر بودن راهنمای درونی و ظاهری نشده است. (ترجمهٔ روایت در متن درس آمده است.)

۳٤ـ گزینه (۱)

۳۵ـ گزینه (٤) گزینش دین و پیروی از آن توسط عقل صورت می‌گیرد و انسان توسط عقل است که خداوند را شایستهٔ پرستش و دین را مایهٔ سعادت و تکامل می‌داند.

۳۶ـ گزینه (۲) هیچ یک از فرقه‌های اسلامی عقل را به‌طور کلی انکار نمی‌کنند بلکه اختلاف فقط در قلمرو و حیطهٔ عملکرد عقل است.

۳۷ـ گزینه (۱)

ترجمهٔ آیه : (همانا بدترین جنبندگان نزد خداوند آن‌هایی هستند که کر و لال هستند و تعقل نمی‌ورزند). در این آیه منظور از کر و لال به صورت فیزیکی و از لحاظ جسمی نیست بلکه منظور کسانی هستند که از عقل خود استفاده نمی‌کنند و مانند چارپایان هستند. نکتهٔ این آیه که ما را به جواب دلالت می‌کند کلمهٔ (یعقلون) است که اشاره به عقل یا تعقل دارد.

۳۸ـ گزینه (۲) ایمان بدون عمل صالح و همچنین عمل بدون ایمان هیچ ارزش و پاداشی ندارد.

۳۹ـ گزینه (۳) ترجمهٔ آیه : اعراب گفتند ایمان آورده‌ایم، بگو ایمان نیاورده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم. منظور این است که ظاهراً ایمان آورده‌اید ولی عمل صالح ندارید.

٤۰ـ گزینه (۳) کمترین درجه ایمان این است که آدمی خدا و پیامبر را قبول داشته باشد و امام زمان خود را بشناسد.

٤۱ـ گزینه (٤) ایمانی که بر عمل فرد تأثیر نداشته باشد و عمل فرد را اصلاح نکند ایمان راستین نیست.

٤۲ـ گزینه (٤) منظور این است که ایمان فقط بر زبان آوردن شهادتین نیست بلکه باید با عمل صالح همراه شود.

٤۳ـ گزینه (۱)

٤٤ـ گزینه (۱) ترجمهٔ آیه : بگو حق همان است که از جانب پروردگارتان آمده است. پس هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر شود. نکتهٔ آیه (شاءَ) است که به معنای (خواستن) است و خواستن به اختیار اشاره دارد. این آیه ارتباط بین ایمان و اختیار را بیان می‌کند.

۴۵ـ گزینه (۲) موضوع سؤال این است که اگر ما کسی را به‌خاطر انجام عملش تقبیح یا سرزنش می‌کنیم و یا به‌خاطر انجام عملش به او پاداش می‌دهیم این امر به چه موضوعی اشاره دارد؟ نشان‌دهندهٔ آن است که شخص در انجام عمل خود مختار بوده است وگرنه به شخص بی‌اختیار پاداش و مجازات دادن بی‌معنی است.

۴۶ـ گزینه (۲)

۴۷ـ گزینه (۳) یکی از متعلقات ایمان که فرد مؤمن باید به آن ایمان داشته باشد، ایمان به عالم غیب است، عالم غیب در مقابل عالم شهادت قرار دارد. عالمی را که از طریق حواس پنجگانه درک می‌کنیم عالم شهادت یا محسوس می‌گویند که همین جهان مادّی است. ولی عالم غیب از طریق عقل یا شهود و یا رؤیت قلبی درک می‌شود.

۴۸ـ گزینه (۲) مادی‌گرایان اموری را که در حیطهٔ حس و تجربه قرار نگیرد، نمی‌پذیرند و چون عالم غیب با حواس و تجربه قابل درک نیست آن را نمی‌پذیرند. درحالی که در نگرش دینی یک فرد مؤمن اعتقاد به عالم غیب وجود دارد.

۴۹ـ گزینه (۴)